

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال- افغانستان
۰۶ می ۲۰۱۸

در افغانستان چه می گذرد؟

۴۰۱

افزایش بیکاری و حرافی دولت پوشالی:

فقر و بیکاری به عنوان مهلک ترین امراض غیر قابل کنترل در برابر طبقه کارگر و در مجموع زحمتکشسان ستمدیده و بیچاره ما قرار دارند که مداوای این دو مرض مزمن از توان دولت فرسوده و پوسیده وحشت «ملی» کاملاً خارج است. در حال حاضر میلیون ها تن از واجدین شرایط کار در کابل و سراسر کشور، در بیکاری مطلق به سر می برند و از بام تا شام، چشم انتظار کار اند؛ از جانب دیگر میلیون ها تن دیگر با وجود آن که در ظاهر امر کار دارند و خودشان را در مزارع و کشتزار ها مصروف می سازند، اما در بیکاری مخفی به سر می برند و در واقع هیچ نوع مؤثریت کاری برای خود و خانواده های شان ندارند. علاوه بر آن میلیون ها تن دیگر (سه و نیم میلیون تن) که از «برکت» نظام پوشالی به مواد مخدر مبتلا گردیده و بیش از ۱۲ درصد نفوس جامعه را تشکیل می دهند، نه تنها بار دوش فامیل های شان گردیده، بلکه یارای روزانه یک ساعت کار را ندارند. نباید از یاد برد که صد ها هزار تن با پیوستن به صفوف طرف های جنگ وحشیانه و ارتجاعی جاری، از لوله تفنگ نان می خورند که روزانه صد ها تن از آنها کشته و یا معلول می گردند.

وزارت ناکارا، بی کفایت و نام نهادی به نام «کار و امور اجتماعی» که در رأس آن شخص مفعولی به نام «فیض الله ذکی» تکیه زده با صرف ده ها هزار دالر، کنفرانس دو روزه ای به نام «کنفرانس ملی کار» را در چهار دیواری «ارگ» راه اندازی کرد و با جمله پردازی های عوام فریبانه و در روی کاغذ، گویا معضل بیکاری را «برطرف» ساخته است. در این کنفرانس «عبدالله عبدالله» این مار خوش خط و خال نیز یابوه سرائی کرد.

با آن که «وزارت کار و امور اجتماعی» می گوید که ۲۴ درصد نیروی کار کشور که تعداد آنها به دو میلیون نفر می رسند، بیکار اند، اما واقعیت امر آن است که مجموع بیکاران کشور از مرز ۵۰ درصد گذشته و از مجموع نفوس ۸ میلیونی نیروی کار کشور، چیزی بیشتر از چهار میلیون نفر در بیکاری به سر می برند، هرچند درصد اندکی از این تعداد بیکاران به صورت مقطعی به کار های نیمه وقت دست می یابند، اما هرگز چند ساعت کار در هفته قادر به رفع ابتدائی ترین مایحتاج لشکر بیکاران کشور ما نمی باشند.

معضل بیکاری در کشور اشغال شده ما که ده ها کشور امپریالیستی و غیر امپریالیستی روزانه از طرق مختلف زهر کشنده را به پیکر زخمی آن می ریزند، با برگزاری چنین کنفرانس های تشریفاتی و پشت دروازه های «ارگ» هرگز و هرگز حل نمی گردد، بلکه یگانه راه برای بیرون رفت از فقر و بیکاری وسیع و گسترده کنونی، اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان زیر پرچم واحد مبارزه علیه استعمار و استبداد و راه اندازی انقلاب ملی – دموکراتیک تحت رهبری جبهه واحد متشکل از تمامی نیرو های انقلابی، مترقی، روشنفکران متعهد، آزادیخواهان و استقلال طلبان واقعی اند.

«با گذاشتن نام رستم، کسی رستم نمی شود»!:

یکی از کار هائی که پس از ایجاد حکومت دست نشانده امریکا تحت نام «حکومت وحدت ملی» زیاد روی آن پافشاری صورت گرفته و انرژی بسیار به مصرف رسیده، ایجاد نهاد های موازی، حذف یکتعداد نهاد ها و ادارات و تغییر نام برخی از وزارت خانه های این حکومت دوسره بوده است. مغز متعفن این حکومت دو سره از روزی که به «ارگ» راه پیدا کرده، بیشترین وقت خود را صرف آوردن تغییرات «بنیادی» به مصرف رسانده است، «تغییراتی» که نه در زندگی توده های زحمتکش و ستمدیده این کشور بلکه در کاغذ ها و نامگذاری و حذف برخی ادارات و نهاد های حکومتی و غیر حکومتی متمرکز گردیده است. البته نباید از یاد برد که استفاده کلمه «بنیادی» بیشتر به تکیه کلام این جرثومه مبدل گردیده است.

اخیراً دومین مغز متعفن جهان به سلسله آوردن «تغییرات بنیادی»، طی فرمانی نام «وزارت تجارت و صنایع» را به نام «وزارت صنعت و تجارت» تغییر داده است!!! البته قبل از آن نیز به سلسله آوردن «تغییرات بنیادی»، «اداره حمایت از سرمایه گذاری ها» یا «آیسا» را منحل نمود، اتاق های های متعدد تجارت، صنایع، معادن و زنان را طی فرمان های جداگانه ایجاد و اداره ای به نام «مرکز واحد جواز دهی» را زیر اثر وزارت تجارت و صنایع به وجود آورده است. به جز از بخش های اقتصادی، در سایر بخش های حقوقی و سیاسی نیز «شاهکار» هائی را انجام داده که از آن جمله می توان از ایجاد «محکمه اختصاصی»، انحلال «اداره مبارزه علیه فساد اداری»، ایجاد «کمسیون تدارکات ملی» و غیره یاد آوری نمود.

ایجاد، انحلال و ادغام ادارات و نهاد های حکومتی و غیر حکومتی در بخش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و غیره شاید یکی از آسانترین گزینه هائی باشد که این جرثومه به شکل عجولانه و چوته انداز در پی عملی کردن آن است که کوچکترین اثری نه تنها روی زندگی طاقت فرسا و سخت توده های زحمتکش و ستمدیده ما به بار نیاورده است، بلکه عکس آن زمینه را برای چور و چپاول یک تعداد و گسترش بیشتر فساد و دزدی مهیا ساخته است.

طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور که اکثریت آنها زیر خط فقر به سر می برند و جمع وسیعی از آنها در بیکاری مطلق قرار دارند، چنین حرکت های نمایی و تشریفاتی را به عنوان «خاک زدن به چشم مردم» می دانند و توده ها به خوبی می دانند که با «گذاشتن نام رستم، کسی رستم نمی شود» و به این باور است که هرگز نظام های سیاسی فاسد، وابسته و پوشالی توان آوردن تغییرات مثبت در زندگی و سرنوشت توده ها را ندارند، چراکه تمامی فکر و ذکر چنین حکومت هائی، غارت و چپاول طبقات زحمتکش و ستمدیده جامعه است و بس.